

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ اکتوبر ۲۰۱۸

نباید از "خلیلزاد" به نفع مردم انتظاری داشت!

یکشنبه- ۱۵ میزان ۱۳۹۷- کابل: امروز، یعنی سالروز تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم امریکا بر افغانستان و اشغال این کشور از همان تاریخ تا حال، "زلمی خلیلزاد" یک تن از توله سگانی که پیشاپیش لشکر یلغار رهنانه و خونبار امریکا در همان زمان در حرکت بود، بار دیگر به کابل برگشت تا در عمل حاکمیت اشغالگرانه امریکا بر افغانستان را به نمایش گذارد.

این گرگ پیر سیاست های استعماری که از قضاء چهره اش بیشتر به سگهای جلال آباد در هنگام تموز شباهت یافته است، از طرف عده ای از چاپلوسان و قاب چینان خوان هر جبار و "خ... مالان" حرفه ئی نه تنها در میدان هوایی کابل، بلکه تا محل سکونتش نیز به گرمی بدرقه گردید. در این یادداشت مختصراً می بینیم که "خلیلزاد" کیست و چه کرده می تواند:

۱- "خلیلزاد" از لحاظ تباری یک پشتون است. پشتونی که بر مبنای موقفگیری های فعلی اش، به مثابه ننگ قوم پشتون به شمار رفته، زدودن آن از دامان قوم پشتون، وظیفه تمام افراد کشور به خصوص قوم پشتون می باشد.

۲- "خلیلزاد" از لحاظ تعلق ملی، با وجود خاستگاه تباری و قومی پشتون، یک امریکائی است که به تمام مقدسات معتبر در جامعه امریکا سوگند خورده، تا در همه حالت تأمین کننده و حافظ منافع امپریالیسم امریکا باشد. سوگندی که "خلیلزاد" الحق بدان وفادار بوده و مانده و تاریخ فعالیت های سیاسی اش نشان داده که جهت حصول و حفظ منافع امپریالیسم حاضر است با خون خلقهای منطقه وضو ساخته، در محراب کاخ سفید سجده عبودیت نماید.

۳- "خلیلزاد" چه بخواد چه نخواهد، تضاد منافع بین قوم پشتون جمع تمام مردم افغانستان با تأمین منافع امپریالیسم امریکا که در واقع برخاسته از تضاد میان خاستگاه قومی-ملی قبلی و موضعگیری ملی فعلی وی است، بر تمام فعالیت های وی سایه می اندازد. یعنی "خلیلزاد" از یک جانب تلاش خواهد نمود تا تمام تصامیم به نفع خاستگاه تباری اش گرفته شود و از جانب دیگر تأمین منافع امپریالیسم امریکا در اولویت خود باقی بماند.

۴- این دو موقف، خلیلزاد را بیشتر از هر فرد دیگر امریکائی در حل مخاصمات و منازعاتی از سنخ معضل افغانستان در صورتی که اراده ای برای حل آن وجود داشته باشد، دچار مشکل می سازد. زیرا به همان سانی که تلاش جهت تأمین و حفظ منافع امپریالیسم امریکا وی را در تخاصم با منافع کشور های منطقه و خود آن کشور ها قرار می دهد و شانس موفقیت وی را در انجام یک امر کم می سازد، به همان سان برتری جوئی قومی و تباری و همه چیز را

برای تبار و قوم خود خواستن، وی را در تقابل با تمام اقوام دیگر مردم افغانستان قرار داده، نه تنها خصومت آنها را باعث خواهد گردید، بلکه نطفه های کینه قومی و نفرت تباری را نیز زرع و پرورش خواهد داد.

۵- با در نظر داشتن نکات فوق و با شناختی که از "خلیلزاد" وجود دارد، به همان سانی که مداخلات ضد ملی وی در هنگام آغاز تجاوز امریکا بر افغانستان، ساده ترین پیامدش طولانی ترین جنگ در تاریخ امریکا را سبب شده است، مطمئناً مداخله فعلی اش به جای صلح دور تازه ای از تخصصات منطقه ئی و قومی را باعث خواهد گردید که باز هم دهه ها ادامه خواهد یافت.

هموطنان گرامی!

هرگاه غرض از گماشتن مجدد "خلیلزاد" واقعاً سرپرستی روند صلح با طالبان باشد و به هدف مهندسی انتخابات تقلبی به نفع "غنی احمدزی" و استعمار نیامده باشد، مطمئن باشید که وی کوچکترین گام درست و انسانی در زمینه برنخواهد برداشت. تأمین صلح در افغانستان از مجرای جنگ خلق و سرکوب دشمنان خلق می تواند به دست آید.

سرکها می را می طلبد!!